

نگاهی به بازار مکاره صلح!

آقای رئیس جمهور! به حکم کدامین دادگاه دستور داده بودید؟



پیوسته به گذشته بخش یکصد و سیزدهم

حتی رگ اهمه مدافعان دموکراسی و عدالت اجتماعی و قضائی جهان متحد شوند تا فرمان رئیس جمهور اوباما را که برای انهدام ملا اختر منصور رهبر گروه تروریستی طالبان صادر نموده بود توجیه کنند نه میتوانند آنرا در راستای دفاع از دموکراسی و عدالت توجیه کنند. این چگونه توجیه پذیر است که وقتی رئیس جمهور بزرگترین و تنها ابر قدرت نظامی و اقتصادی جهان بازیچه چند جاسوس و مشاوران یونیورسال Universal حرفه ای و امنیتی قصر سفید میگردد و بر آنچه که از یک رئیس جمهور کشوری که تاریخ چند صد ساله دموکراسی و آزادی دارد با این ادبیات و کلیمات هر چند نرم اما خشونت زأ دستور صادر کند.

<https://www.youtube.com/watch?v=9xSVIPme5IU>

جای بسی تعجب است که چنین مقامی در کشوری که آزادی، استقلال و دموکراسی هر چند پوشیده شده در الفاظ دموکراتیک مهمترین شاخصه آن بحساب می آید با این ادبیات و چنین شیوه در جنگ با مخالفان قرار گیرد! بد نخواهد بود توجه رئیس اوباما را به سخنان ناب بنیامین فرانکلین Benjamin Franklin یکی از بنیانگذاران ایالات متحده امریکا جلب کنم که در باره آزادی با چنین غرور و وقار سخن گفته است و میتوان تمامی نیروهای استقلال طلب نسل ما را به هر دین و آئینی که می اندیشند مورد امتحان قرار داد.

<https://www.youtube.com/watch?v=fNhePqxRRZQ>

اما با دریغ و تأسف باید گفت که جلالتمآب رئیس اوباما Obama علی الرغم حصول مدارک تحصیلی در رشته حقوق با درجه عالی از پوهنتون معتبر هاروارد Harvard University ایالات متحده امریکا نتوانسته شیوه مخالفت با دشمنان را بیاموزد که میتوان گفت تنها کسی که مصداق سخن

بنیامین فرانکلین Benjamin Franklin است شخص باراک حسین اوبامای دوم چهل و چهارمین رئیس جمهور امریکا است زیرا به فرمایش بنیامین فرانکلین
آنانی که آزادی را فدای امنیت میکنند ، نه شائسته گی آزادی را دارند و نه لیاقت امنیت را !



می بینید دوستان عزیز! که چگونه به مصداق ضرب المثل معروفی " نوکر نو آهو را می گیرد به دو " البته باز هم جهت معلومات جلالتمآب باراک اوباما که از چند سال بدینسو مهمان قصر سفید شده و قصد دارد که در آخرین ایام زمامداری اش میخی بر تابوت کریهی از نظام سرمایه داری و کاپیتالیزم بکوبد . باید گفت که قتل انسان هر چند جنایتکار و تروریست با اصل نظام مردم سالاری در تناقض است و هر کسی که بصورت بالقوه با محو انسان باور داشته باشد نه میتوان آنرا آدم سالم دانست البته جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر را باید با حکم یک دادگاه عادلانه و مرجع مشروع قضائی به غرض بازگشت به جامعه محاکمه نمود . مسخره ترین نتیجه ای که از شیوه ای دستور قتل ملا منصور باید گرفت این است که نخست پرده از هویت اصلی صلح با مخالفین مسلح برداشته شد وباگذشت پانزده سال تمام معلوم و هویدا گردید کسانی که به وساطت خانقاه یا همان شورای عالی صلح به اداره حاکم بر سر نوشت افغانستان پیوسته اند دارای چه غرض و مرضی اند ؟

https://www.youtube.com/watch?v=uH_-ltaJK4k

استفاده از برهان قاطع در تحقق صلح !

گویند امام فخر رازی در درس خود اظهار می کرد که اسمعیلیه ملاحظه برای اثبات عقاید خود برهان قاطعی ندارند . یکی از شاگردان امام فخر - که باطنا اسمعیلی مذهب بود - روزی به امام گفت : سوالی محرمانه دارم و امام را به کتابخانه خصوصی برد و کاردی از لای کتاب برکشید و بر گلوی پیرمرد امام نهاد و گفت : اینست برهان ما ! اگر خواهی به سلامت بمانی باید قول بدهی که پس از این از اسمعیلیه بد نگوی . امام به جان پذیرفت ، و از فردا در گفتار خود روش احتیاط و مسالمت پیش گرفت ، و به جای ملاحظه به همان لفظ اسمعیلیه قناعت می کرد . یکی از شاگردان هوشمند از استاد پرسید : -مگر در اصول عقاید حضرت استادی تغییری حاصل شده ؟ امام در جواب گفت : آری ! زیرا اکنون برهان قاطع آنها را در دستشان دیده ام !

<https://www.youtube.com/watch?v=801zJb0pnwQ>

بدون شک صدور فرمان ترور بدون مجوز یک محکمه حتی دادگاه صحرائی و قبیلوی ، از سوی کسی که خود را از پیروان راستین مارتین لوترکینگ Martin Loterking منادی استقلال و آزادی می خواند به مثابه همان برهان قاطع محسوب میگردد که شیخ فخر رازی تازه بر آن پی برده بود . جالب است که با گذشت پانزده سال تمام و با سرازیر شدن میلیاردها دالری که بدست مهره های امین و

در سخاوند های صادق انستیتیوت ها و دانشگاه های وابسته به شبکه های جاسوسی مغرب زمین مانند سازمان استخبارات MI6 انگلیس تنها شبکه ای تمویل کننده پوهنتون یورک University of York بریتانیا محسوب میشود که بسیاری از رجال و مهره های رژیم کنونی دارنده گان مدارک " صد درصد اصلی !! " این دانشگا ها اند .

وقتی نسیم صلح نان آور باشد !!

<https://www.youtube.com/watch?v=jYLMpUYcocY>

به طوریکه خواننده گان استحضار دارند اخیراً یک هیأتی از سوی حزب اسلامی افغانستان وظیفه یافت تا با حکومت کابل در مورد استقرار صلح به تفاهم ابتدائی برسند و آن هیأت تسوید یک موافقتنامه ای بنام صلح حزب اسلامی افغانستان را در محضر ژورنالیست ها که از سوی خانقاه صلح از قبل عقب هیأت توظیف شده راه میرفتند اعلام گردید بسیاری از تاجران و دلالانی که در کار غصب زمین ها از تجارب و اندوخته های بدرد بخور بهره مند بودند لباس های پیشاوری را از صندوقچه های شان در آوردند و گوشی های تلفن موبائل را نیز شارژ ساختند و به کار دعوت و دلالی اقدام نمودند و سرانجام نیز فهرست طویلی بنام نام نویسی بی خانمان حزب اسلامی و اقارب شان پرداختند .



جالب است کسانی که در طول عمرشان اگر یکبار نیز از کوچه های شمشتوی پیشاور عبور نموده بودند به میدان آمدند و در برابر سه هزار کلدان آغاز به نام نویسی کردند البته این جماعت مفتخوار تنها از نام نویسی به صرف " من و سلوی " اکتفا نکرده بودند بلکه گاه گاهی به کسانی که در شهر پیشاور زندگی میکردند و از نظر این جماعت زراندوز در مقام " انصارمدینه " نگرسته و شناخته می شدند توسط تلفن نیز ارتباط برقرار میکردند چنانچه یکی از عزیزانی که از این قلم خواست تا از وی نام نبرم در پاسخ به این پرسش که مسأله صلح به کجارسید ؟ چنین حکایت کرد و گفت : اصلاً نه میدانیم که کارش به کجارسیده است ؟ اما من به حد کافی بنام صلح و آشتی حزب و دولت به نان و نوای رسیده ام !! و تاهنوز لست چندین هزار کسانی که در افغانستان گویا خانه ندارند و بی خانمان اند در بدل هر نمره زمین سه هزار کلدان پول پاکستانی برایم تادیه نموده اند تا با تحقق صلح در یکی از شهرکهای که به نام حزب اسلامی اعمار خواهند شد برایش نمرات توزیع گردد.

